[فهرست مطالب 1](#_Toc427949791)

[خطبه اول 1](#_Toc427949792)

[سلمان معصوم است 1](#_Toc427949793)

[نقش اراده دررسیدن به تقوا 2](#_Toc427949794)

[فصل اول زندگی حضرت سلمان 2](#_Toc427949795)

[سه نشانه نبوت که سلمان آن‌ها را در پیامبر (ص) آزمود 2](#_Toc427949796)

[نتیجه حاصله از فصل اول زندگی حضرت سلمان 3](#_Toc427949797)

[ایمان سلمان بر دوپایه قوی استوار بود: 3](#_Toc427949798)

[اولین پایه 3](#_Toc427949799)

[پایه دوم 3](#_Toc427949800)

[فصل دوم زندگی حضرت سلمان 4](#_Toc427949801)

[سلمان در چه سالی اسلام آورد؟ 4](#_Toc427949802)

[رابطه پیامبر (ص) و سلمان، رابطه استاد و شاگرد 4](#_Toc427949803)

[عظمت سلمان از نگاه امام علی (ع) 4](#_Toc427949804)

[سلام خدا بر سلمان 5](#_Toc427949805)

[نفس شفابخش حضرت سلمان 5](#_Toc427949806)

[خطبه دوم 5](#_Toc427949807)

[مغلطه‌کاری آمریکا 6](#_Toc427949808)

[اهمیت منابع اقتصادی برای آمریکا 6](#_Toc427949809)

[گسترش اسلام در جهان 6](#_Toc427949810)

[پیام اسلام، پیام جهان گیر است 7](#_Toc427949811)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم** «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[2]](#footnote-2) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# سلمان معصوم است

شخصیت سلمان فارسی در کلام حضرت رسول (ص) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بسیار مورداحترام است. سلمان چنان پرافتخار زندگی کرده است که روایت‌شده است: سلمان ده درجه ایمان را طی کرده است. همچنین پیامبر (ص) در رابطه با سلمان می‌گوید: «**سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلَ الْبَیتِ»**[[3]](#footnote-3) سلمان از ماست. او بااینکه به‌طور نسبی از خاندان پیامبر (ص) نبود، امام پیامبر (ص) او را در درجات اهل‌بیتش می‌دید. ابن عربی، از عرفای بزرگ است، و عشق وافری به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) داشت، اما در مورد مذهب او، اختلاف است. او در کتاب فتوحات مکیه می‌گوید: سلمان معصوم بود. او سلمان را در معصومیت هم‌درجه با اهل‌بیت می‌داند. از این سخنان می‌توان چنین برداشت کرد که سلمان بعد از اهل‌بیت، درجاتی از ایمان را طی کرده است که احدی در آن زمان و حتی قرن‌ها بعد، این مسیر ایمان را طی نکرده است. بدین‌جهت سلمان یک الگوی خودسازی است.

# نقش اراده دررسیدن به تقوا

ویژگی خاص سلمان که نیاز به تأکید دارد، قابلیت طی درجات ایمان است. ممکن است ما انسان‌ها در مورد اهل‌بیت و معصومین (علیهم‌السلام) چنین بیندیشیم که آنان موردعنایت خاص پروردگارند، حال‌آنکه این‌چنین نیست و سلمان نمونه بارز این مطلب است که از سلاله پیامبر (ص) و حتی از جزیرة‌العرب هم نبود، اما درجات بالایی از ایمان و تقوا را طی کرد. این برای تمامی ما مسلمانان درس بزرگی است که هر انسانی می‌تواند با عزم و اراده خویش در مسیر تقوا و شناخت پروردگار قدم گذارد.

# فصل اول زندگی حضرت سلمان

در وجود سلمان شعله ایمان روشن شد و عشق رسیدن به یک پیامبر او را به هجرت از ایران واداشت و با اوصیای حضرت عیسی (ع) و متدینین ادیان اسمانی آشنا شد و ایمان به خدا را از سال‌ها قبل از بعثت پیامبر با خود داشت. تا اینکه از اوصیای حضرت عیسی (ع) شنیده بود که در جزیرة‌العرب، در حوالی مکه و مدینه، قرار است پیامبری به نام حضرت محمد (ص) مبعوث شود. حضرت سلمان به عشق دیدن این پیامبر و ایمان آوردن به او و پیدا کردن راه سعادت خود، از سرزمین خود هجرت کرد و با جمعی از رجال بزرگی از مسیحیت آشنا شد و نهایتاً برای این‌که بشارت ظهور چنین پیامبری را حضرت عیسی (ع) داده بود، تلاش داشت تا خود را به سرزمین پیامبر (ص) برساند. در این مسیر حضرت سلمان به دلایل نامشخصی که در تاریخ ثبت‌نشده است، اسیر شد و به بندگی درآمد. در تاریخ ذکرشده که چندین مولا او را فروختند و او نیز که نمی‌خواست به شوق دیدن پیامبر آخر از سرزمین مکه و مدینه بیرون رود، این وضع را تحمل می‌کرد، تا اینکه خبر بعثت پیامبر اکرم (ص) به سلمان رسید و او تلاش می‌کرد تا نشانه‌های پیامبر آخر را که از اوصیای حضرت عیسی (ع) شنیده بود در وجود پیامبر اکرم (ص) بیابد.

# سه نشانه نبوت که سلمان آن‌ها را در پیامبر (ص) آزمود

یکی از این علائم، مهر نبوت است که بر کتف مبارک پیامبر (ص) بود، علامت دیگر صدقه نگرفتن حضرت، و هدیه گرفتن حضرت بود. سلمان در ملاقاتی با پیامبر (ص) این سه نشانه را آزمود. پیامبر (ص) از سلمان صدقه را نپذیرفتند اما هدیه را قبول کردند و در فرصتی که پیدا شد، سلمان مهر نبوت را در کتف پیامبر (ص) مشاهده کرد. در همین‌جا بود که سلمان به پیامبر (ص) ایمان آورد و خدا را شکر کرد. پس‌ازآن بازهم به غلامی درآمد، که در کتب اهل سنت آمده است که ابوبکر، خلیفه اول او را خرید، اما با توجه به تحقیقات مورخین، خریدار سلمان و آزادکننده او، شخص پیامبر (ص) بود.

# نتیجه حاصله از فصل اول زندگی حضرت سلمان

از این فصل زندگی حضرت سلمان نتیجه می‌گیریم که انسان برای رسیدن به سعادت و رستگاری خویش، باید بی‌نهایت تلاش کند. شاید چنین حرکت ایمانی و جستجوی مسیر سعادت را در تاریخ کسی به‌اندازه حضرت سلمان طی نکرده باشد. او در حدود صدسال یا بیشتر به دنبال پیامبر اکرم (ص) بود. خیلی از افراد در صدر اسلام به دلیل مسائل عاطفی و هیجانات روحی مسلمان شدند، اما ایمانی که سلمان به پیامبر (ص) داشت از سر علم و آگاهی و تحقیق بود. بسیاری از ما هم به این دلیل در مسیر اسلام و شیعه قرارگرفته‌ایم که خانواده و جامعه ما را در این مسیر قرار داده است، اما کسانی که خود تصمیم می‌گیرند و باعقل و منطق راه صحیح الهی را برگزینند افراد اندکی هستند. این ویژگی‌ها در سلمان باعث شد تا پیامبر درباره او فرمودند: سلمان ده درجه ایمان را طی کرده است، و باز طبق فرمایش امام صادق (ص) که می‌فرمایند: پیامبر (ص) فرمود: نگویید سلمان فارسی، بلکه بگویید سلمان محمدی.

# ایمان سلمان بر دوپایه قوی استوار بود:

# اولین پایه

پایه اول، تلاش و جستجوی چندین ساله برای یافتن راه است. عالمان اخلاق و عرفان می‌گویند اگر انسان تمام عمر خود را به دنبال مسیر سعادت و پیدا کردن استاد وارسته اخلاق، باشد و در لحظات آخر عمر به آن دست یابد راه صحیحی را برگزیده است. سلمان فارسی در طی سال‌های جستجو و مشقت‌هایی که تحمل کرد، بر معرفت و ایمان خود افزود و پس از سال‌های بسیار طولانی موفق به دیدار پیامبر اکرم (ص) شد.

# پایه دوم

ایمان حضرت سلمان بر عقل و منطق استوار بود. ایمانی که از سر احساسات باشد ارزش چندانی ندارد. انسان باید در طی این مسیر سختی‌ها و مشکلات را به جان خریده باشد. چنان‌که رسول خدا (ص) درباره سلمان می‌فرمایند: «**کان الإیمان عند الثریا لناله رجال أو رجل من هؤلاء**»**[[4]](#footnote-4)** سلمان چنان جستجوگر ماهر و تشنه حق بود که اگر دین و حقیقت در ثریا هم بود، به آن دست می‌یافت.

# فصل دوم زندگی حضرت سلمان

درس‌های بسیاری در بعد از اسلام آوردن حضرت سلمان، تا زمانی که در دوره خلیفه دوم، حاکم مدائن بود و از دنیا رفت، وجود دارد. حضرت سلمان قبل از اسلام آوردن نیز، موحد بود. شخصی در محضر رسول خدا (ص) گفت که سلمان مجوسی بوده است، پیامبر خدا (ص) به‌شدت برافروخته شد و فرمود: «**مَا کانَ مَجُوسِیاً وَ لَکنَّهُ کانَ مُظْهِراً لِلشِّرْک مُضْمِراً لِلْإِیمَان»**[[5]](#footnote-5) سلمان مجوسی نبود، در دل توحید و ایمان را قبل از یافتن پیامبر و ظهور او برگزیده بود. بعد از خریدن و آزاد کردن سلمان توسط پیامبر، فصل نورانی از زندگی سلمان آغاز می‌شود.

# سلمان در چه سالی اسلام آورد؟

در تاریخ ذکرشده که سلمان در سنه چهارم-پنجم هجرت، پیامبر را یافت و بدین‌جهت در جنگ بدر و احد حضور نداشت. اما بعضی از مورخین شیعه تحقیقات فراوانی را انجام دادند و ثابت کردند که سلمان در سال اول هجرت پیامبر را ملاقات کرده است. در سال‌های قبل هم که پیامبر در مکه بودند، سلمان آگاهی داشت اما چون در مدینه اسیر و بنده بود امکان ملاقات با رسول خدا (ص) برای او فراهم نبود و به‌محض اینکه پیامبر از مکه به مدینه هجرت کردند، سلمان به پیامبر ایمان آورد و در جنگ بدر و احد نیز حضور داشت، همان‌طور که در روایات ذکرشده است که سلمان در تمامی جنگ‌ها در رکاب رسول خدا (ص) حضورداشته است، پس نمی‌تواند در سال چهارم یا پنجم ایمان آورده باشد.

# رابطه پیامبر (ص) و سلمان، رابطه استاد و شاگرد

در میان اصحاب پیامبر، سلمان جزو ارکان و شخصیت‌های برتر بود، و مهم‌ترین امتیاز او بعد از ایمان او، علم و معرفت او بود، که بعد از اسلام آوردن هم چنان بر علم و ایمان او افزوده می‌شد. روایات شیعه و اهل تسنن نشان می‌دهد همان‌طور که رابطه استاد و شاگرد بین پیامبر (ص) و امام علی (ع) بود، چنین رابطه خاصی هم بین سلمان و پیامبر (ص) بود. عایشه نیز نقل می‌کند**: «کان لسلمان مجلس من رسول‌الله (ص) ینفرد به باللیل»[[6]](#footnote-6)**گاهی چنین بود که سلمان یک مجلس خاصی در محضر رسول خدا (ص) داشت که به‌تنهایی از محضر پیامبر (ص) کسب علم می‌کرد، و گاهی تمام شب را سلمان در محضر پیامبر (ص) بود.

# عظمت سلمان از نگاه امام علی (ع)

در روایتی ابن نقل می‌کند: از امام علی (ع) درباره سلمان سؤال کردم. حضرت فرمود**: «مَا أَقُولُ فِی رَجُلٍ خُلِقَ مِنْ طِینَتِنَا وَ رُوحُهُ مَقْرُونَةٌ بِرُوحِنَا»[[7]](#footnote-7)** من درباره سلمان چه بگویم که او از طینت ما خلق‌شده و روح او متصل به روح ماست**. «خَصَّهُ اللَّهُ تَبَارَک وَ تَعَالَی مِنَ الْعُلُومِ بِأَوَّلِهَا وَ آخِرِهَا وَ ظَاهِرِهَا وَ باطن‌ها»[[8]](#footnote-8)** خداوند شخصیت سلمان را به تمام علم و معرفت ایمانی مخصوص کرد. خداوند آغاز و انجام و ظاهر و باطن علم و ایمان را به سلمان ارزانی داشت.

# سلام خدا بر سلمان

حضرت علی (ع) نقل می‌کنند: دیدم که گروهی وارد مجلس شدند و به خاطر روحیه جاهلی و تعصبی که داشتند، یکی از آن‌ها سلمان را از جایش بلند کرد، و خود بر جای او نشست. رسول خدا (ص) به‌شدت غضبناک شدند، عرق بر جبینشان نشست و فرمودند: آیا مردی را دور می‌داری که خداوند در آسمان و رسولش در زمین او را دوست دارد؟ هرگز نشد که جبرئیل بر من فرود آید، مگر آن‌که مرا مأمور کرده است تا سلام خداوند را به سلمان برسانم. در همین روایت واردشده است که پیامبر علوم اول و آخر را به سلمان آموخت. همچنین در روایات ذکرشده است که سلمان اسم اعظم را می‌دانست.

# نفس شفابخش حضرت سلمان

در داستانی هست که جوانی با سرشت پاک از بازار مسگران عبور می‌کرد. کوره‌های آتش را که دید به یاد آیه «**وَلَهُمْ مَقَامِعُ مِنْ حَدِیدٍ»[[9]](#footnote-9)** و عذاب جهنم افتاد. آن جوان پاک، آه و ناله‌ای کشید و بی‌هوش شد، گویی که مرده بود. حضرت سلمان از آن بازار عبور می‌کرد. نگاهش که به جوان افتاد، از نفس معنوی او، جوان به هوش آمد و آن جوان را به دوستی خود گرفت.

مقام درجه دهم ایمان و آگاهی بر علم غیب، دانستن اسم اعظم، سخن گفتن ملائکه با سلمان و ارتباط خاص او با پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) همه نشان‌دهنده عظمت علمی حضرت سلمان است. بدین‌جهت است که پیامبر می‌فرمایند**: «سلمان باب الله فی الأرض»[[10]](#footnote-10)** در هنگام وفات سلمان، پیامبر (ص) امیرالمؤمنین (ع) را مطلع کردند و با طی الارض بر جنازه سلمان در مدائن حاضر شدند. در میان صحابه طولانی‌ترین عمر را سلمان داشته است که در حدود صد تا سیصد سال ذکرشده است.

**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ، اِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»[[11]](#footnote-11)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»[[12]](#footnote-12)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# مغلطه‌کاری آمریکا

مسیری که امروز آمریکا پیش می‌رود، می‌تواند برای تمامی بشریت آثار سوء تولید کند. این مسیر را هیچ انسان آگاه و منصفی تائید نمی‌کند. هر انسانی با هر درجه ایمانی این ظلم و ستم را نکوهش می‌کنند و در کشورهای اسلامی و حتی توسط مسیحیان نیز این جنایات همواره به‌وضوح محکوم می‌شود، اما آنچه مایه تأسف برای وجدان بشریت در آغاز قرن 21 است، مغلطه‌کاری است که قدرت بزرگ آمریکا در دنیا انجام می‌دهد و ملت فلسطین را به جرم دفاع از حقوقشان، تروریسم معرفی کرده و عمل آنان را با اعمال ظالمانه خود در یک ردیف قرار می‌دهند. برای در اختیار گرفتن منابع نفت و گاز در خاورمیانه و ترس از آینده خودشان، جناح تندرو و افراطی شارون را حمایت می‌کنند و به استکبار خود رنگ تمدن و اصطلاحات مغلطه‌آمیز سیاسی می‌دهند. همین اواخر دیدیم و شنیدیم که در ونزوئلا، به این دلیل که یک کشور نفت‌خیز است، کودتا کردند.

# اهمیت منابع اقتصادی برای آمریکا

برخلاف تصور عده‌ای ساده‌لوح، برای آمریکایی‌ها نفت، گاز، منابع انرژی و بازارهای مصرف در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین اهمیت بسیار زیادی دارد. آنان برای همین منافع اقتصادی در ونزوئلا کودتا کردند و خوشبختانه شکست خوردند و مفتضح شدند، چراکه مدارک حاکی از دخالت امریکا در پس پرده کودتا وجود داشت. در آسیا نیز با مغلطه‌کاری و حمایت اسرائیل اهداف خود را پی می‌گیرند.

# گسترش اسلام در جهان

آنچه ابرقدرت‌ها نمی‌دانند و باید بدانند این است که سرنوشت یک کشور، همواره با زور و سلاح رقم نمی‌خورد. در قاره افریقا یک کشیش کتابی را به‌طور محرمانه نوشت است و از گسترش اسلام در قاره افریقا اعلام‌خطر کرده بود. درحالی‌که پاپ چندین سال قبل پیش‌بینی کرده بود که آفریقا در سال 2000 میلادی، به‌طور کامل مسیحی می‌شوند. این پیش‌بینی به شکل برعکس اتفاق می‌افتد. در ساحل‌عاج در هشتاد سال قبل، حدود 5 درصد مسلمان داشت، و اکنون بیش از پنجاه‌درصد آن مسلمان‌اند. در برخی کشورها آمار مسلمان و آمار شیعه در حال افزایش است. کشور بزرگ و پرجمعیت نیجریه در آفریقا گرایش به اسلام به‌شدت در حال رشد است. همچنین در آمریکا، اسلام موردتوجه خاص مردم قرارگرفته است.

# پیام اسلام، پیام جهان گیر است

ابرقدرت‌ها فکر می‌کنند که اگر ایران را از پای دربیاورند، سود می‌کنند. آن‌ها نمی‌دانند که پیام اسلام یک پیام جهان گیر است. چنین اتفاقی قابل‌کنترل نیست، چراکه اسلام و بالخصوص تشیع دارای منطق است و هیچ نیازی به‌اجبار و خشونت در تبلیغ تشیع نیست و مردم دنیا همگی به دنبال معنویت و عرفان هستند. ابرقدرت‌ها جریان وابسته مسیحیت را علیه اسلام در آفریقا بسیج کردند. گروه‌های مسلمانان را در اروپا، آمریکا و کشورهای اسلامی تحت‌فشار قراردادند. اما آن‌ها نمی‌دانند که این تحمیل و فشار قلب‌های مردم را بیشتر از پیش متوجه اسلام می‌کند. برای ملت پیشتاز ما، عمل درست و حرکت درست، بسیار حائز اهمیت است. مسئولیت و دولت‌مردان ما باید در این امر بسیار هوشیار باشند و این مسیر را حفظ کنند.

**نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعز الأجلّ الاکرم یا الله و... یاارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدقة النیّة و عرفان الحرمة اللهم انصر الاسلام و اهله واخذل الکفر واهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. سوره حشر، آیه 18** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. التفسیر المنسوب إلی الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص 121** [↑](#footnote-ref-3)
4. . الوافی، ج 3، ص 674 [↑](#footnote-ref-4)
5. . الإختصاص، ج النص، ص 222 [↑](#footnote-ref-5)
6. . شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ج 18، ص 36 [↑](#footnote-ref-6)
7. . الإختصاص، ج النص، ص 221 [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان [↑](#footnote-ref-8)
9. . الحج، آیه 21 [↑](#footnote-ref-9)
10. . روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمة)، ج 14، ص 223 [↑](#footnote-ref-10)
11. . العصر، آیات 1 تا 3 [↑](#footnote-ref-11)
12. . آل‌عمران، آیه 102 [↑](#footnote-ref-12)